

# اردوگاه حکومت در ورطه بی برنامگی و سرگردانی

عبدالله مروی

سرمقاله

## دولت و وضعیت آشفته اجتماعی و سیاسی

حفیظ الله زکی

گذشته از شعارهایی که مقامات حکومتی برای پنهان کردن ناکارایی های شان سر می دهند، اوضاع کشور در کل رو به وخامت نهاده است.

از یک طرف ناامنی های رو به گسترش به صورت بیرحمانه زندگی مردم را به بازی می گیرند و از سوی دیگر فقر و بیسکاری چون هیولای وحشتناک آرامش خانواده ها را از بین می برد و در طرف دیگر، نظامی که به فرسودگی و ناکارایی انجامیده و توان و قدرت کاری خود را از دست داده است.

امروزه مؤلفه هایی که مشروعیت و پایایی نظام به آنها وابسته است، از بین رفته و ارکان نظام، خارج از مجرای قانونی به گونه توافقی میان چند شخص شکل می گیرد.

در این توافق ها پیش از آن که منافع ملی در نظر گرفته شود، مسایل شخصی، قومی و گروهی سمت و سوی سیاستگذاری های کلان را تعیین می کند.

به این خاطر مردم اکنون در بی سرنوشتی به سر می برند. هیچ شخص و نهادی نیست که به تقاضاها و نیازهای مردم رسیدگی کند و به نگرانی های روز افزون این مردم پاسخ دهد. مردم در شرایط کنونی مانده اند که چه کنند؟ آیا از دولت و حکومت باید قطع امید کرد و منتظر ایجاد نظم و آرامش از سوی حکومت ننشست؟ آیا باید از وحدتی که در سایه یک نظام سیاسی به وجود آمده بود، خدا حافظی کرد و به ناچار به انقراط سیاسی و اجتماعی رو آورد؟ آیا چرخیدن به دور دایره خبیثه جنگ، بی عدالتی، ستم پوری، فساد و خیانت جزو سرنوشت محتوم این سرزمین و مردم آن است که به هر میزان که تلاش می کنیم از این بن بست هولناک دورتر شویم، به همان اندازه به آن نزدیک می شویم.

امنیت جزء نیازهای اولیه زندگی بشر به شمار می رود. اگر امنیت نباشد، توسعه و پیشرفت درعرصه های مختلف حیات اجتماعی ناممکن می گردد.

اگر افغانستان امروز از کاروان تمدن و مدنیت قرن ها عقب مانده است، تنها دلیلش ناامنی های فیزیکی، روانی و اجتماعی بوده که آرامش و تمرکز فکری را از مردمان این سرزمین گرفته است. در افغانستان هیچگاه امنیت جمعی وجود نداشته است و هیچگاه شغل، موقعیت و زندگی مردم از خطرات گوناگون ممنون نبوده است.

همین امر سبب شده است که مردم افغانستان در تمام عمر در دغدغه حفاظت از جان، دارایی و حیثیت اجتماعی خود مصروف باشد و هیچگاه فرصت و زمینه تفکرات عمیق ترمی را پیدا نکنند. مشکل جدی دیگری که مردم با آن دست و پنجه نرم می کنند، چالش عمیق و بنیادین اقتصادی است. چالشی که خود دارای ابعاد و جنبه های گسترده و فراوانی است.

افغانستان از کشورهای فقیر جهان به شمار می رود که آمار بیسکاری در آن بیداد می کند. میلیون ها شهروند این کشور در سراسر دنیا سرگردان است که هدف اصلی آنان تامین معیشت و بر آوردن نیازهای اقتصادی است.

تعداد زیادی از مردم از بیکاری و فقر اقتصادی رنج می برند. در حال حاضر بسیاری از خانواده ها حتی از تهیه ضروری ترین نیازهای اقتصادی خود عاجز می مانند. بسیاری از خشونت ها، ناپهنجاری ها و جنایت های سازمان یافته و غیر سازمان یافته، از مشکلات اقتصادی و بیکاری مردم نشأت می گیرد.

فقر زدایی و مبارزه با بیکاری یکی از مهم ترین و اساسی ترین دغدغه انسان افغانی امروز را تشکیل می دهد. همین وظیفه و مسؤلیت حکومت است که باید برنامه های اقتصادی مفید و قابل اجرا را طرح کند و سپس با ظرافت و دقت تمام آنها را به مرحله اجرا بگذارد.

اما تاهنوز دورتای امیدوار کننده ای در این زمینه به چشم نمی خورد. مقامات حکومتی هنوز برنامه مشخصی را برای مبارزه با گروه های تروریستی روی دست نگرفته است و هنوز یک استراتژی روشنی برای فقر زدایی در جامعه ارایه نداده است. چنین به نظر می رسد که در آینده نیز حکومت بجای طرح برنامه های کوتاه مدت و دراز مدت اقتصادی، به مسایل و پدیده های کم اهمیت تر دیگری می چسبند و مردم همچنان در برهوت فقر و بیچارگی مطلق باقی می مانند.

در روزهای اخیر وضعیت کشور به شدت بحرانی گردیده است. اگر شرایط کشور را از داخل و خارج مورد ارزیابی قرار دهیم افغانستان به سرزمینی رها و بی صاحبی می ماند که در آنجا همه کس، به ویژه رانده شدگان از سرزمین های دیگر در آن مطابق به میل و خواهش خویش جولان می دهند. اگر ساختاری بنام حکومت وحدت وجود دارد این ساختار فقط یک موضوع و یا توافق سمبلیک است. هیچگونه نشانه و اراده ای واقعی و اثر گذار از آن را شاهد نمی باشیم. این ادعا را می توان با یاد آوری ده ها نمونه و مثال ثابت نمود و به آن استناد ورزید.

نخستین و سنگ زیرین هر نظام و جامعه ای امنیت است. مفهوم اساسی «نظام» بصورت طبیعی مسئله امنیت را تداعی می نماید. اما متأسفانه در افغانستان نه بصورت واقعی نظامی وجود دارد و نه مردم آن در هیچ زمینه ای از امنیت لازم برخوردار نمی باشند. اگر این سرزمین دارای نظامی باشد در مرحله نخست پایستی مرزهای آن دارای دروازه و کنترل باشد. در جهان امروز کشور های با ثبات سررمایه گذاری های هنگفتی را برای کنترل مرزهای خویش می نمایند. بدون داشتن مرزها تامین امنیت ادعای بیهوده و فریبنده است. اما در افغانستان حداقل در روزهای اخیر روزانه بیش از ده ها موتر حامل سرنشینان اتباع خارجی بدون داشتن اسناد عبوری معتبر از بیرون مرز ها وارد کشور گردیده و در داخل کشور از یک نقطه به نقطه دیگر جا بجا می گردند. با وجود ده ها هزار نیروی امنیتی و نظامی هیچ نهادی ناظر به ورود و ترده های افراد اتباع بیگانه در کشور به صورت گروهی نیستند. حتی کوچکترین سوال و کنترل نسبت به آنان صورت نمی گیرد. در

سایه چنین وضعیت و عدم کنترل از سوی حکومت و نیروهای امنیتی و نظامی شاهدیم هزاران تروریست چینی و ازبکستانی و تا جکستانی از بیرون مرزها سازماندهی شده و به نقاط مختلف کشور اعزام می گردند تا غایله و ناامنی خلق کنند. اگر مسئولین

امنیتی و نظامی مدعی هستند که مرزهای کشور را کنترل می کنند و در داخل کشور نیز بر اوضاع مسلط هستند باید پاسخ دهند که این تروریست چگونه و با حمایت کدام شخص و نهادی وارد کشور گردیده و جا بجا می گردند؟

حمله بر پارلمان کشور در روز گذشته نشانه دیگری از نبود نظم و اعتماد در اردوگاه حکومت می باشد. حمله بر پارلمان کشور در حالی صورت گرفت که موتر انتحاری قبل از قبل توسط کسانیی بود که حتی نمایندگان نیز قادر نبودند در آن نقطه موتر خویش را توقف دهند! حال باید پرسیده شود که نیروهای امنیتی کشور یعنی قوه مقننه در مقابل دشمنان و تروریست ها محافظت و دفاع می نمایند که موتر انتحاری پیشاپیش در داخل محوطه و ساختمان پارلمان جایجا می گردد؟ رویداد دیروز در پارلمان در حالی به وقوع پیوست که پیش از آن نیز اعضای مجلس نمایندگان نسبت به احتمال حمله تروریستی هشدار داده بودند.

حاصل تصور نمائید که در چنین شرایط حساس و تعیین کننده که مخالفین مسلح از هر سوی برای سقوط دادن نظام و دامن زدن به آشوب و ناامنی شبانه روزی تلاش می کنند حکومتی که خود را وحدت ملی می یخواند فاقد وزیر دفاع نه بخاطر رعایت مصالح و شایستگی بلکه بخاطر تقصا منافع قومی و شخصی سمران حکومت ملی می باشد. پس از ماه ها و پس از اعتراض های بسپار سرانجام حکومت فردی غیرنظامی را به عنوان وزیر دفاع نامزد ساخت و تصمیم گرفت که روز گذشته برای مجلس نمایندگان معرفی نماید ؛ اما در حال ورود وی به داخل تالار جلسه نمایان بر پارلمان بوقوع پیوست و جلسه به هم خورد.

بی برنامگی و سرگردانی حکومت در مقابله با تروریست ها و دشمنان نیز کاملاً مشخص است. مخالفان مسلح ماه هاست که برای



وجود دارد. به گفته وی: با آغاز درگیری میان نیروهای امنیتی و مخالفان مسلح در پل مومن بیش از ۲۰ هزار باشند ولسوالی خواجه غار از ترس سقوط این ولسوالی مجبور به ترک خانه های شان شده اند. آشفتنگی و بی برنامگی حکومت فقط در دایره امنیت و مقابله با تروریسم خلاصه نمی گردد. متأسفانه در سایر عرصه ها وضعیت از این فاجعه بارتر است. بطور نمونه مسئله انتخابات یکی از مسایل ملی و تعیین کننده نظام سیاسی دانسته می شود. اما تاکنون در ارتباط با فراهم ساختن برگزاری انتخابات پارلمانی هیچگونه اقدامی صورت نگرفته و بلکه حکومت با آن با بی تفاوتی کامل برخورد می نماید. به باور تحلیل گران سیاسی رهبران حکومت وحدت ملی هیچ اراده ای برای آوردن اصلاحات انتخاباتی و برگزاری انتخابات شفاف ندارند، زیرا تاکنون مردم افغانستان شاهد هیچ نوع عملکرد جدی از سوی آنان برای اصلاح نظام انتخاباتی نبوده اند. به همین جهت کمک ها و حمایت های مالی کشورهای خارجی برای انتخابات قطع گردیده است. به همین دلیل چندی قبیل قرائس مایکل میلین؛ سفیر اتحادیه اروپا در افغانستان اعلام کرد

تاکنون کار کمیسیون اصلاحات انتخاباتی، کمک های مالی جامعه جهانی برای انتخابات افغانستان از سرگرفته خواهد شد. همچنین نماینده سازمان ملل و کشورهای آمریکا و بریتانیا بر اصل اصلاحات نظام انتخاباتی در افغانستان تاکید کرده گفته اند که کمک های آنان بر اصل اصلاحات نظام انتخاباتی ادامه خواهد یافت. هم چنین باید گفت که ایجاد کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی یکی از موارد مهم توافق نامه ی سیاسی تشکیل حکومت وحدت ملی است، اما با گذشت چندین ماه تاکنون این کمیسیون ایجاد نشده است و هیچ اراده ای نیز برای ایجاد مشاهده نمی شود.

آنچه در سطور فوق یادآوری گردید فقط بخشی از وضعیت و شرایط ناگواری است که نشان از نسوء مدیریت و ناتوانی رهبران حکومت وحدت ملی را نشان می دهد. حکومتی که بجای آنکه فکر و چاره ای برای اوضاع آشفته کشور بنماید و به زندگی مردم سامان ببخشد خود شان در زندگی مردم سرگردمی و بی برنامگی مطلق قرار گرفته اند. آیا با چنین وضعیتی منطقی خواهد بود که معجزه ای یا تدبیری را امید ببریم؟

## جنگ عادلانه در فلسفه سیاسی سنت آگوستین

سید صادق حقیقت

پس این باور بود که تفکر هیچ انسانیتی نمی توانست بدون خداوند به فضیلت برسد و یا خود توانایی تولید فضیلت را داشته باشد انسان تنها می تواند تولید گناه کند. بر طبق گفته آگوستین سیستم های سیاسی حکومتی به منظور

یک بخش اساسی از مشترک المنافع می داند که شهروندانش موافق با قانون بوده و در ترویج عدالت در مشترک المنافع یکدیگر مشارکت دارند و عدالت لازمه شکل گیری مشترک المنافع است. Cicero (۱۹۷۹، II.Ixii) مشترک المنافع آگوستین نیز بازنویسی شرح سبیسرو بر جامعه مشترک المنافع در شهر خدا نشان از اهمیت اندیشه سبیسرو در اندیشه آگوستین است. آگوستین در شرح این موضوع می نویسد:

«پس از درخواست شرکت در سخنرانی، تلاش برای دفاع از عدالت ..... خواستم ثابت کنم که هیچ چیز به اندازه یی عدالتی برای دولت مضر نیست و بدون عدالت یک جمهوری نمی تواند اداره شود و حتی ادامه یابد» (Augustine, ۲۰۱۰، II.Ixxi) وی از سوی دیگر وظیفه دولت را دفاع از عدالت به عنوان مشترک المنافع دانست و وجود آن را بدون عدالت و جدا از آن غیر ممکن دانست. در نتیجه افرادی هستند که موافق اند تحت یک قانون زمانی زندگی کنند و حمایت هر یک از دیگری توسط عدالت صورت می گیرد. اینها دو ویژگی مشترک المنافع است. آگوستین در موافقت با سبیسرو دوازدهم و نیناز تشکیل مشترک المنافع را عدالت و قانون مادی می داند. وی در نامه ای به مارسلینوس (Marcelinus) نوشت:

«آنچه که دولت مردان را باهم متحد می کند چیست؟ در یک زمان کوتاه اوپاش و راهزنان در توافق با هم دولت را شکل دادند» (Augustine, ۱۸۵۹، CXXXVIII)

اما این اتحاد برای مدتی کوتاه است و در مشترک المنافع نیاز به توافق مشترک در میان شهروندان است او در ضرورت قانون مادی نیز می نویسد:

«(یک ملت متشکل از مردانی هستند که در ارتباط با هم و تحت یک قانون و یک قانون زمانی رفتار می کنند)» (Augustine, Ibid, CXXXVIII)

مشترک المنافع به معنای واقعی کلمه امور به دولتی می گویند که تحت یک قانون مشترک زمانی شکل می گیرد. او ضرورت عدالت در شکل گیری مشترک المنافع را در بعد منفی آن نشان داده و نوشت:

«(پس از آن که پادشاهان از عدالت فاصله گرفتند آنها چه دزدان بزرگی شدند)» (Augustine, ۲۰۱۰، I.vi)

در اینجا آگوستین با استفاده از کلمه



جلوگیری از تمایلات افراد در جهت رشد گناه است» (Augustine, ۲۰۱۰، XXII). آگوستین با استفاده از کلمات (Divina gubernatione) موضوع دولت خداوند را نشان داده و حاکمیت را به عنوان یک نهاد از آن خداوند دانست. حاکمیت خدا بر همه چیز آفریده شده است» (Augustine, Ibid, XXII.xxii) خداوند در ارتباط با همه چیز است و کنترل طبیعت مادی به مایهت معنوی و روح عقلانی آن بستگی دارد. دولت الهی انسان را در ارتکاب و یا تمایل به گناه با استفاده از قوانین و مجازات محدود می کند و عملکرد مشترک المنافع محدود کردن گناه و ترویج هدف معنوی که نجات و حیات جاودانی است می باشد. از نظر آگوستین که فضیلت را از طرف خداوند می داند ونه انسان، می توان نتیجه گرفت که جامعه مشترک المنافع بدون دخالت خدا یا مسیح هرگز نمی تواند تحقق یابد، و مسیحیان با دریافت فضیلت از طرف خداوند، مشترک المنافع را با هم متحد و احیاء می کنند.

### کارتون روز



بدون شرح



صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سرمدیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.  
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.  
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.  
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پستی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

افغانستان The Daily Afghanistan  
Outlook AFGHANISTAN  
The Leading Independent Source